

اهمیت و جایگاه محبت (۲)*

آیت‌الله علامه محمدتقی مصباح

چکیده

این مقاله که شرحی بر مناجات‌المریدین امام سجاده علیه السلام توسط استاد علامه مصباح می‌باشد، به بحث از محبت و اهتمام به آن می‌پردازد. برخی مراتب محبت که لازمه ایمان به خداست، واجب و برخی مراتب مستحب است. مریدین، خداجویانی هستند که اراده قرب به خدای متعال را دارند. از جمله نشانه‌های محبت به خدا این است که محب دوست دارد نام محبوب خود را زیاد بشنود و علاقه‌مند به چیزهایی است که منسوب به اوست. اما نشانه‌های محبوب خداوند عبارتند از: توبه، پاکیزگی، جانشانی در راه خدا.

کلیدواژه‌ها: محبت به خدا، محبوب خدا، نشانه‌های محبت، نشانه‌های محبوب.

جایگاه خداجویان و دوستان خالص خدا

«مریدین» در اصطلاح روایات و سایر آموزه‌های دینی خداجویان و کسانی هستند که اراده‌ی قرب الهی و حرکت به سوی خداوند را دارند؛ هرچند که هنوز به مراحل نهایی نرسیده باشند.

۲. تعبیر اَرَضاً یَمْشُونَ علیها؛ «خاک پای آنها می‌شوند تا بر روی آنها راه بروند» که بسیار رسا و بلند است، در هیچ روایت دیگری مشاهده نشده است. البته در سایر روایات تعابیر جالبی درباره‌ی ضرورت تواضع و فروتنی در برابر دوستان خدا وارد شده است، اما بجز این روایت، در هیچ روایت دیگری دیده نشده که انسان خاک پای دوستان و سالکان طریق الهی گردد تا روی آن راه بروند. این بیان حاکی از عظمت و عنایت خداوند به کسانی است که اراده‌ی حرکت به سوی او را دارند و درصددند که به قرب الهی نایل گردند، تا آنجا که اگر دوستان خدا که بی‌تردید حضرت داوود نیز در شمار آنان است، به مقام و منزلت متعالی آن جویندگان خدا و سالکان طریق قرب الهی واقف می‌شدند از شدت فروتنی و تواضع در برابر آنها، خاکسار آنان می‌گردیدند.

همچنین در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که حضرت فرمودند: «محبت خدا چون روشنی بخشید به باطن بنده، آن را از هر چیزی که آن بنده را به خود مشغول کند و از یاد غیرخدا خالی گرداند، چه آنکه هر ذکری جز ذکر و یاد خدا ظلمت و تاریکی است و محب از جهت باطن خالص‌ترین مردم است و در گفتار راست‌گوترین آنان و در عمل به عهد و پیمان باوفاترین آنهاست. همچنین از لحاظ رفتار و عمل پاک‌ترین آنهاست و باصفا‌ترین مردم باشد از نظر

مرتبه‌ای از محبت به خداوند که لازمه‌ی ایمان است و قابل انفکاک از ایمان به خدا نیست، واجب است. همچنین مرتبه‌ای از محبت به خداوند که انسان را به انجام واجبات و ترک محرمات وامی‌دارد، لااقل به عنوان مقدمه‌ی واجب لازم و واجب می‌باشد. اما سایر مراتب محبت به خداوند مستحب و دارای فضیلت‌اند. البته عقل سلیم حکم می‌کند که انسان درصدد تحصیل آن مراتب برآید. در مناجات‌المریدین که به بررسی آن پرداختیم، عالی‌ترین مراتب قرب الهی و محبت به معبود ترسیم گشته است که در صورت درک عظمت آن مراتب عالی، انسان درمی‌یابد که آن مراتب عالی از محبت الهی قابل مقایسه با مقامات دنیوی و همه‌ی موفقیت‌های دنیوی که کسب کرده نیست. در این ارتباط در حدیث قدسی آمده است که خداوند خطاب به حضرت داوود فرمود: «یا داوُد... تَوَاضَعُ لِمَنْ تُعَلِّمُهُ وَلَا تَطَّوُلْ عَلَی الْمُریدینَ فَلَوْ عَلِمَ أَهْلُ مَحَبَّتِی مَنْزِلَةَ الْمُریدینَ عِنْدِی لَكَانُوا لَهُمْ اَرَضاً یَمْشُونَ عَلَیْهَا»^(۱) ای داوود... در برابر شاگردان خود متواضع و فروتن باش و به کسانی که اراده‌ی خدا کرده‌اند (و می‌خواهند به مقام قرب الهی دست یابند) سخت‌گیری مکن. اگر اهل محبت من می‌دانستند که خداجویان و اراده‌کنندگان خدا چه منزلتی در پیشگاه من دارند، خاک پای آنها می‌شدند تا بر روی آنها راه بروند.

دو نکته در این حدیث قدسی وجود دارد:

۱. ابتدا انسان گمان می‌کند که مراد از «مریدین» در این حدیث، مریدان حضرت داوود است، ولی

برخورداری از محبت خالصانه خداوند که باعث می‌گردد انسان در هر حال خواست خداوند را بر خواست دل و خواست غیرخدا ترجیح دهد، دشوار است. در برخی از روایات به آثار این مرتبه از محبت الهی اشاره شده است؛ از جمله در حدیث قدسی آمده است که خداوند خطاب به حضرت موسی علیه السلام فرمود: «یا ابن عمران، کَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يَحِبُّنِي فَإِذَا جَنَّهُ اللَّيْلُ نَامَ عَنِّي، أَلَيْسَ كُلُّ مُحِبِّ يَحِبُّ خَلْوَةَ حَبِيبِهِ؟ هَا أَنَا ذَا يَا ابْنَ عِمْرَانَ مُطَّلِعٌ عَلَى أَحِبَّائِي، إِذَا جَنَّهُمُ اللَّيْلُ حَوَّلْتُ أَبْصَارَهُمْ مِنْ قُلُوبِهِمْ وَمَثَلْتُ عُقُوبَتِي بَيْنَ أَعْيُنِهِمْ، يَخَاطِبُونِي عَنِ الْمَشَاهِدَةِ، وَيَكَلِّمُونِي عَنِ الْحُضُورِ. يَا ابْنَ عِمْرَانَ، هَبْ لِي مِنْ قَلْبِكَ الْخُشُوعَ، وَمِنْ بَدَنِكَ الْخُضُوعَ، وَمِنْ عَيْنِكَ الدُّمُوعَ، فِي ظُلْمِ اللَّيْلِ، وَادْعُنِي فَإِنَّكَ تَجِدُنِي قَرِيباً مُجِيباً»؛^(۴) دروغ گوید کسی که گمان برد مرا دوست دارد و چون شب فرا رسد بخوابد و مرا یاد نکند. مگر چنین نیست که هر دوستی، خلوت کردن با محبوب خود را دوست دارد؟ ای پسر عمران، من به احوال دوستان خود آگاهم و آن‌گاه که شب آنان را دربرگیرد دیده‌هایشان را از دل‌هایشان برگردانم و کیفرم را برابر چشمانشان مجسم سازم. آنان مرا مشاهده کنند و با من حضوری گفت‌وگو کنند. ای پسر عمران، با دلت با من خاشع و با تن خود برای من فروتن باش و در تاریکی شب از چشم خود اشک بیفشان و مرا فراخوان که مرا نزدیک و اجابت‌کننده خواهی یافت.

در دعای امام سجاده علیه السلام، پس از نماز شب، درباره خلوت و نجوای شبانه دوستان خدا یا محبوب خویش چنین می‌خوانیم: «إِلَهِي وَسَيِّدِي هَدَّاتِ الْعُيُونَ، وَغَارَتِ النُّجُومُ، وَأَغْلَقَتِ الْمُلُوكُ أَبْوَابَهَا، وَدَارَتْ عَلَيْهَا

توجه و ذکر پروردگار و کامل‌ترین مردم است از جهت بندگی و عبادت. ملائکه آسمان هنگام مناجات او خوشحالی می‌کنند و به دیدن و مشاهده او به خود می‌بالند و افتخار می‌کنند. خداوند به واسطه او شهرها را آباد می‌کند و به جهت رحمتی که به او دارد بلا را از مردم دور می‌سازد. پس اگر مردم می‌دانستند که او چه مقام و منزلتی در نزد خدا دارد، برای تقرب به خدا وسیله دیگری جز خاک پای او را انتخاب نمی‌کردند.»^(۲)

در روایت دیگر آمده است: «إِنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ فِي بَعْضِ كُتُبِهِ: عَبْدِي أَنَا وَحَقِّي لَكَ مُحِبٌّ فَيَحَقِّي عَلَيْكَ كُنْ لِي مُجِيباً»؛^(۳) خداوند متعال در برخی از کتب آسمانی خود چنین فرموده است: ای بنده من، قسم به حقی که بر تو دارم، من تو را دوست دارم تو نیز به حقی که بر تو دارم مرا دوست داشته باش.

احتمال می‌رود در کتابت جمله «انا وحقى لك محب» تصحیف و اشتباه رخ داده باشد و جمله در اصل چنین باشد: «أَنَا وَحَقِّكَ عَلَى لَكَ مُحِبٌّ» که در این صورت معنای آن جمله چنین خواهد بود: «به آن حقی که تو بر من داری تو را دوست دارم.» این تعبیر نسبت به تعبیر اول از لطافت بیشتری برخوردار است و بنابر آن خداوند برای مردم حقی قایل شده و به آن حق سوگند یاد می‌کند. چه اینکه در برخی از آیات قرآن نیز به حق مؤمنان بر خداوند تصریح شده است: «وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ» (روم: ۴۷)؛ نصرت و یاری مؤمنان حقی است بر عهده ما.

آثار و نشانه‌های دوستی خدا

ادعای دوستی خداوند آسان است، اما به واقع

نام و ذکر الهی ندارند، در واقع، دل را از محبت ما سوی الله پر ساخته‌اند و محبتشان به خداوند بسیار اندک است.

همچنین یکی از نشانه‌های محبت به خداوند، دوستی چیزهایی است که منسوب به خداوند هستند، نظیر کعبه و سایر مساجد. محب خدا وقتی چشمش به مسجد می‌افتد احساس خوشحالی می‌کند و از اینکه دقایقی از وقت خود را در مسجد به سر برد و در آن نماز بخواند لذت می‌برد. اما کسی که خداوند را دوست ندارد، علاقه‌ای هم به نشانه‌های خدا و از جمله مسجد ندارد و بی‌اعتنا از کنار مسجد رد می‌شود و سراغ مکان‌هایی می‌رود که در آنها به خوش‌گذرانی و عیش و نوش بپردازد.

همچنین یکی از نشانه‌های محبت واقعی به خداوند، محبت به اولیای خدا و پیامبران و بخصوص پیامبر خاتم و اهل بیت آن حضرت، صلوات‌الله علیهم، که محبوب‌ترین بندگان خدا به شمار می‌روند می‌باشد؛ تا آنجا که بدون محبت به آنها ممکن نیست به محبت خداوند دست یافت. در زیارت جامعه می‌خوانیم: «مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ، وَمَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَ اللَّهَ، وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ»؛^(۶) هرکس شما را مولی و سرور خود شناخت، خدا را مولی و سرور خود دانسته و هرکس شما را دشمن داشت، خدا را دشمن داشته و هرکس شما را دوست داشت، خدا را دوست دارد و هرکس با شما کینه و خشم ورزید با خدا خشم و کینه ورزیده است.

در فرازی دیگر از زیارت جامعه می‌خوانیم: «مَنْ أَرَادَ اللَّهَ بَدَأَ بِكُمْ، وَمَنْ وَحَدَّ قَبْلَ عَنكُمْ، وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ، مَوَالِيٌّ لَا أَحْصَى ثَنَّ أَتْكُمْ، وَلَا أَبْلَغُ مِنَ الْمَدْحِ

حُرَاسِهَا، وَبَابُكَ مَفْتُوحٌ لِمَنْ دَعَاكَ يَا سَيِّدِي قَدْ خَلَا كُلُّ حَبِيبٍ بِحَبِيبِهِ وَأَنْتَ الْمَحْبُوبُ إِلَيَّ»؛^(۵) ای خدا و آقای من، چشم‌ها با خواب آرامش یافته‌اند و ستارگان غروب کرده‌اند و پادشاهان درهای کاخ‌ها را بسته‌اند و بر گرد آنها نگهبانان را گماشته‌اند و در خانه تو به روی هرکس که تو را بخواند گشوده است، ای آقای من، هر دوستی با محبوب خود خلوت کرده است و تو محبوب من هستی.

شب بهترین فرصت برای مشاهده زیبایی‌های خلقت و خلوت با معبود و نجوای با اوست و چه نیکوست که وقتی انسان در دل شب از بستر نرم و خواب ناز برمی‌خیزد و آماده انجام نماز شب و عبادت می‌گردد و وقتی چشم به آسمان می‌دوزد و ستارگان زیبا را می‌نگرد، زیر لب زمزمه کند و بگوید: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» (آل عمران: ۱۹۰)؛ همانا در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شد شب و روز خردمندان را نشانه‌هاست.

یکی از نشانه‌های عمومی و ساده محبت این است که محب دوست دارد نام محبوب خود را زیاد بشنود و به او زیاد توجه پیدا کند و این آزمون خوبی است برای مدعیان دوستی خدا که اگر با شنیدن اسم خدا و سخنان او خوشحال می‌گردند و دوست می‌دارند که بیشتر سخنان خداوند را بشنوند و احساس خستگی نمی‌کنند، واقعاً خداوند را دوست می‌دارند، تا آنجا که خلوت با او و شنیدن سخنان او را بر خلوت با غیر خدا و شنیدن سخنان دیگران ترجیح می‌دهند. اما اگر از شنیدن نام خدا و سخنان او احساس خستگی و آزدگی می‌کنند و اعتنایی به

جلب محبت الهی ذکر شده، که از آن جمله به سه ویژگی که در قرآن برانگیزاننده محبت الهی معرفی شده اشاره می‌کنیم:

۱. توبه؛ خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ﴾ (بقره: ۲۲۲)؛ خدا توبه‌کاران را دوست دارد. «توابین» صیغهٔ مبالغه و دلالت بر فراوانی و پافشاری بر توبه دارد و کاربرد آن در آیهٔ شریفه بیانگر آن است که خداوند کسانی را که پیوسته توبه می‌کنند و هرگاه لغزشی از آنها سرزد، فوراً از کردهٔ خود پشیمان می‌گردد و درصدد جبران گناه خود برمی‌آیند، دوست می‌دارد. هرکسی در عمر خود ممکن است تجربه توبه داشته باشد و پس از گناه، از رفتار زشت خود پشیمان گشته و توبه کرده باشد. اما برخی پس از آنکه چند بار دچار غفلت می‌گردند و فریب شیطان را می‌خورند، ممکن است با این تصور که توبه از گناه از آنان ساخته نیست و نمی‌توانند بر توبه از گناه باقی بمانند (که این خود دام شیطان است) از توبه کردن منصرف گردند. اما خداوند کسانی را دوست دارد که زیاد توبه می‌کنند و وقتی بر اثر غفلت و فریب شیطان دچار لغزش می‌شوند، توبه می‌کنند و تکرار لغزش‌ها و توبه شکستن‌ها آنان را از توبه کردن منصرف نمی‌سازد. اتفاقاً اصرار و پافشاری بر توبه موجب می‌گردد که قبح گناه از چشم انسان نیفتد و انسان کاملاً از عاقبت و فرجام کارهای زشت غافل نگردد و پس از لغزش و گناه که به دنبال غفلت موقتی رخ می‌دهد، به سرزنش نفس خود پردازد و از آنچه انجام داده پشیمان و اندوهناک شود و لذت و شیرینی آن گناه در کامش تلخ گردد و در نتیجه، درصدد توبه و جبران لغزش خود برآید.

كُنْهَكُمْ وَمِنْ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ؛^(۷) هرکس خدا خواهد و جوید، در آغاز به پیروی شما پردازد و هرکس او را به یگانگی شناخت، تعالیم شما را پذیرفت و هرکس آهنگ خدا کرد، رو به شما آورد، ای پیشوایان من، من از شمارش و ستایش صفات شما عاجزم و به کنه مدح و توصیف شما راهی ندارم.

یکی از نشانه‌های محبت این است که محب دوست دارد که محبوب نیز او را دوست داشته باشد و بالاترین لذت برای محب و عاشق درک محبت محبوب نسبت به خویش است. برای او هر علامت، سخن و هدیه‌ای که از ناحیه محبوب باشد، ارزشمند و لذت‌بخش است. آنچه از محبوب به او می‌رسد، گرچه به خودی خود ارزش چندانی نداشته باشد، اما از آن جهت که از محبوب به او رسیده و نشانه محبت و علاقه محبوب به اوست مهم و باارزش می‌باشد. طبیعی است اگر انسان خدا را دوست می‌دارد و او را برترین محبوب خود می‌داند، درصدد انجام کارهایی برمی‌آید که محبت خدا را برمی‌انگیزاند و باعث محبت خداوند به خویش می‌شود. اگر او به آنچه مورد رضایت خدا و باعث جلب محبت او می‌گردد اهمیت نمی‌دهد، در ادعای محبت به خداوند صادق نیست. ممکن نیست کسی صادقانه خداوند را دوست داشته باشد، اما خواهان محبوب گشتن در نزد خداوند نباشد و در صدد جلب رضایت و خشنودی خداوند برنیاید. اکنون باید دید چه کارهایی و چه صفاتی باعث جلب محبت خداوند می‌شود.

نشانه‌های محبوب خداوند

در قرآن و روایات ملاک‌ها و نشانه‌های فراوانی برای

که دچار این توهم شده‌اند که هم می‌توان مؤمن و مسلمان بود و از دوستان خدا به شمار آمد و هم با دشمنان خدا پیوند مودت و دوستی برقرار کرد، سخت در اشتباهند؛ چراکه نمی‌توان هم خدا و دوستان خدا را دوست داشت و هم دشمنان خدا را. البته منظور از گناهکاران در روایت، کسانی که احیاناً دچار غفلت و خطایی شده‌اند و در اثر غلبه هیجانات دست به گناه یازیده‌اند نیست. بلکه باید خیرخواه آنان بود و درصدد ارشاد و راهنمایی و اصلاح رفتار آنان برآمد. ممکن است این افراد با راهنمایی از خواب غفلت بیدار شوند و از رفتار زشت خود پشیمان گردند و توبه کنند و دل را از آلودگی‌ها بزایند و حتی با توفیق خداوند، در شمار دوستان خاص خدا قرار گیرند. بلکه مراد تبه‌کارانی هستند که بر دشمنی با خدا اصرار می‌ورزند و همه راه‌هایی بازگشت به فلاح و رستگاری را به روی خود بسته‌اند.

راهکار افزایش محبت به خداوند

یکی از پرسش‌هایی که همواره برای علاقه‌مندان به سلوک الی‌الله و کسانی که خواهان چشیدن طعم محبت به خدا هستند مطرح می‌شود این است که راه پدید آمدن محبت به خدا و افزایش آن محبت چیست؟ البته یافتن پاسخ آن پرسش اساسی از لابه‌لای ادله‌ تعبدی و نقلی، یعنی آیات و روایات فراوانی که در این باره وارد شده، نیازمند بحثی گسترده و پردامنه است و از این رو، به‌ناچار به پاسخی اجمالی و کوتاه بسنده می‌کنیم و آن اینکه قاعده و اصل کلی که از تجربه‌های شخصی محبت‌های افراد به یکدیگر به دست آمده این است که هرچه انسان

۲. پاکیزگی؛ خداوند در ادامه آیه قبل، که در آن تواین را محبوبان خویش معرفی کرده می‌فرماید: «وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ»؛ و خداوند پاکیزگان را دوست دارد. پاکیزگی و طهارت در آیه شریفه هم شامل نظافت و پاکیزگی ظاهری می‌شود و هم پاکیزگی و طهارت شرعی که با وضو و غسل حاصل می‌گردد و هم پاکیزگی قلبی که بر پالایش دل از گناه و ترک کارهایی که مورد رضایت خداوند نیست حاصل می‌گردد. نظیر پاک ساختن دل از سوءظن و بدگمانی به دیگران و خودداری از کینه‌توزی.

۳. جان‌فشانی در راه خدا؛ خداوند می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَتْهُمْ بُيُوتًا مَّرْصُوعًا» (صف: ۴)؛ خدا کسانی را دوست می‌دارد که صف در صف کارزار می‌کنند که گویی بنایی به هم پیوسته و استوارند.

طبیعی است که خداوند کسانی را که خالصانه در راه خدا جهاد می‌کنند و حاضرند که سخاوتمندانه جانشان را در راه خدا فدا کنند دوست می‌دارد. مگر ممکن است کسی همه هستی خود را فدای محبوب خود کند و محبوب او را دوست نداشته باشد؟

از جمله روایات، در روایتی امام صادق علیه السلام درباره برخی از صفات بندگان که مورد خشنودی خداست و محبت خدا به بندگان را برمی‌انگیزاند، می‌فرماید: «طَلَبْتُ حُبَّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَوَجَدْتُهُ فِي بُغْضِ أَهْلِ الْمَعَاصِي»؛^(۸) درصدد شناسایی آنچه محبوب خداست برآمدم و آن را مبعوض داشتن گناهکاران یافتم.

بر اساس این روایت، اگر کسی می‌خواهد خدا را دوست داشته باشد و خدا نیز او را دوست بدارد، باید با دشمنان خدا و تبه‌کاران دشمنی ورزد. کسانی

چه مواردی خداوند نگذاشته آبروی او بریزد، و نیز خداوند چه بلاهایی را از او دفع کرده و او را از راه شر و باطل به راه خیر و کمال کشانده است. بنگرد به مقدماتی که خداوند برای بازداشتن و پرهیز او از خطا و گناه فراهم ساخته، محبت او به خداوند بیشتر خواهد شد. البته روشن است که ما هرچند فکر کنیم و بیندیشیم نمی‌توانیم به گستره نعمت‌ها و احسان‌های خداوند در حق خویش واقف گردیم، چون نعمت‌های خداوند غیرقابل شمارش است: ﴿وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ﴾ (ابراهیم: ۳۴)؛ و از هرچه خواستید به شما داد، و اگر [بخواهید] نعمت خدا را بشمرید آن را نتوانید شمرد؛ به راستی آدمی ستمگر و ناسپاس است.

بنابراین، برای افزایش محبت به خداوند، انسان دو کار باید انجام دهد: ۱. خوبی‌ها، کمالات و نعمت‌های الهی را بشناسد؛ ۲. بر روی آن خوبی‌ها، کمالات و نعمت‌ها تمرکز یابد. چه آنکه به جهت گرفتاری‌های زندگی و تعلقات، انسان دچار غفلت می‌شود. در این صورت صرف شناخت نعمت‌های الهی تأثیری نمی‌بخشد. گاهی انسان کسی را دوست می‌دارد و پس از آنکه مدتی از او دور شد و از توجه‌اش به او کاسته شد، به مرور آن محبت کاهش می‌یابد. پس برای اینکه گرفتاری‌های روزمره زندگی ما را از یاد خدا غافل نسازد و از محبت ما به خداوند نگاهد، باید عمیقاً به نعمت‌های خداوند توجه داشته باشیم و فکرمات را بر آن نعمت‌ها متمرکز سازیم. در این صورت، شعله محبت به خداوند همواره در دل ما روشن و فروزان می‌ماند. در گام اول باید به

درباره خوبی‌های یک فرد بیشتر بیندیشد، بیشتر او را دوست خواهد داشت. بر این اساس، در حدیث قدسی آمده است که خداوند به حضرت داوود علیه السلام فرمود: «أَحَبُّنِي وَحَبِّبْنِي إِلَيَّ خَلْقِي. قَالَ: يَا رَبِّ، نَعَمْ أَنَا أُحِبُّكَ فَكَيْفَ أُحِبُّبِكَ إِلَيَّ خَلْقِكَ؟ قَالَ أَذْكَرُ أَيَادِي عِنْدَهُمْ، فَإِنَّكَ إِذَا ذَكَرْتَ ذَلِكَ لَهُمْ أَحَبُّونِي»؛ (۹) مرا دوست بدار و محبوب نزد خلقم گردان. حضرت داوود عرض کرد: پروردگارا، آری من تو را دوست دارم، اما چگونه تو را محبوب خلق گردانم؟ خداوند فرمود: نعمت‌هایم را برای آنان ذکر کن که اگر تو نعمت‌هایم را به آنان یادآور شوی مرا دوست خواهند داشت.

انسان فطرتاً کسی را که در حق او احسان و خیرخواهی می‌کند دوست می‌دارد. هرچه بیشتر به او خوبی و نیکی شود، محبتش شدیدتر می‌گردد. حتی انسان کسی را که دارای احسان و صفات نیکوست، هرچند از احسان او نیز برخوردار نگردد دوست می‌دارد. به عنوان نمونه، همه حاتم طایی را که به سخاوت، بخشش و خیرخواهی شهره بوده دوست دارند؛ گرچه به دلیل عدم درک زمان او از آثار احسان و خیرخواهی وی بهره‌مند نشده‌اند. البته در صورتی که انسان با شخص خیرخواه و سخاوتمند در ارتباط باشد و بهره و نفعی از او به انسان برسد، محبت انسان به او شدیدتر خواهد بود. بر این اساس، انسان هرچه بیشتر درباره نعمت‌های الهی و صفاتی که منشأ آن نعمت‌ها شده تفکر کند، محبت او به پروردگار بیشتر می‌گردد. اگر انسان بیندیشد که سراپا غرق در نعمت‌های الهی است، بنگرد که خداوند در طول زندگی چه کمک‌هایی به او کرده، در

نشانه‌ها و آیات الهی در پیرامون و در وجود خود بنگریم و دریابیم که همه عالم آیت خداست. بنگریم به تدبیرهایی که خداوند درباره ما رقم زده است. بنگریم به نعمت‌هایی که خداوند در درون وجود ما قرار داده و نیز نعمت‌هایی که خارج از وجود ماست، نظیر نعمت پدر، مادر، استاد، دوستان و همه کسانی که از احسان و انس با آنها بهره‌مند می‌گردیم. بی‌تردید اندیشه بیشتر در نعمت‌های خدا، محبت ما را به خداوند توسعه می‌بخشد و آنگاه با تمرکز بر روی خداوند و نعمت‌های او، عوامل رهن و غفلت از فراروی ما کنار می‌روند و رشته محبت ما به خداوند مستحکم و پرفروغ می‌ماند.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- ملأ محسن فیض کاشانی، *المحجة البيضاء فی تہذیب الاحیاء*، ج ۸، ص ۶۲.
- ۲- محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۷، ب ۷۳، ص ۲۳، ح ۲۳.
- ۳- حسن بن محمد دینمی، *ارشاد القلوب*، ج ۱، ص ۱۷۱.
- ۴- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۱۳، ب ۱۱، ص ۳۲۹-۳۳۰، ح ۷.
- ۵- *صحیفه سجادیہ*، دعای بعد از نماز شب، ص ۱۷۳-۱۷۴.
- ۶- شیخ عباس قمی، *مفاتیح الجنان*، زیات جامعه کبیره.
- ۷- همان.
- ۸- میرزا حسین نوری، *مستدرک الوسائل*، ج ۱۲، ب ۱۰۱، ص ۱۷۳، ح ۱۳۸۱۰.
- ۹- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۱۴، ب ۳، ص ۳۸، ح ۱۶.